



Jurisprudential Investigation of Economic Crimes Affecting Public Order

Mohammad Masoudinia^{1*}

1. Assistant Professor, Department of Law, Faculty of Social Sciences and Law, Payam Noor University, Tehran, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Article Type: Original Research

Pages: 1-22

Article history:

Received: 12 May 2022

Edition: 2 Jun 2022

Accepted: 23 Jun 2022

Published online: 24 Sep 2022

Keywords:

Economic Crimes, Public Order, Hoarding, Crime of Disturbing the Economic Order, Embezzlement and Bribery

Corresponding Author:

Mohammad Masoudinia

Address:

Department of Law, Faculty of Social Sciences and Law, Payam Noor University, Tehran, Iran.

Orchid Code:

0000-0002-0225-9409

Tel:

09143925601

Email:

Masoudinia@pnu.ac.ir

ABSTRACT

Background and Aim: Investigation of economic crimes is highly important in various aspects, including the effect on public order. In this paper, an attempt is made to investigate this important issue from a jurisprudential approach.

Materials and Methods: This paper is descriptive-analytical and the library method is used.

Ethical considerations: In this paper, the originality of the texts, honesty and trustworthiness have been observed.

Results: Public order is of great importance in jurisprudential sources. Accordingly, economic activities that disrupt public order are considered a crime. Hoarding, the crime of disturbing the economic order, Embezzlement and bribery is among the crimes that have a negative effect on public order and therefore lead to punishments such as fines, imprisonment, and even execution.

Conclusion: Due to the importance of public order in jurisprudence, economic activities disrupting public order have been criminalized, however, criminal policy in this regard is faced with shortcomings and criticisms. Lack of guarantees of effective implementation, uncertainty of punishments, security approach to punishments, and lack of attention to correction and re-socialization of offenders are the most important criticisms of criminal policy regarding economic crimes that disrupt public order. Accordingly, it is necessary for the legislative to pay attention to eliminating the mentioned shortcomings.

Cite this article as:

Masoudinia M. Jurisprudential Investigation of Economic Crimes Affecting Public Order. *Economic Jurisprudence Studies*. 2022; 4(3):1-22.



فصلنامه مطالعات فقه اقتصادی، دوره چهارم، شماره سوم، پاییز ۱۴۰۱

بررسی فقهی جرایم اقتصادی تأثیرگذار بر نظم عمومی

محمد مسعودی نیا^{۱*}

۱. استادیار گروه حقوق، دانشکده علوم اجتماعی و حقوق، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: بررسی جرایم اقتصادی از جهات مختلف از جمله تأثیر بر نظم عمومی از اهمیت بالایی برخوردار است. در این مقاله تلاش شده به بررسی این امر مهم از رویکرد فقهی پرداخته شود.

مواد و روش‌ها: مقاله حاضر توصیفی - تحلیلی بوده و از روش کتابخانه‌ای استفاده شده است.

ملاحظات اخلاقی: در این مقاله، اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

یافته‌ها: نظم عمومی در منابع فقهی از اهمیت بالایی برخوردار است. بر همین اساس فعالیت‌های اقتصادی که برهم زننده و مخل نظم عمومی است جرم تلقی می‌شود. احتکار، جرم اخلال در نظم اقتصادی و رشوه از جمله جرایمی است که بر نظم عمومی تأثیر منفی داشته و لذا مجازات‌هایی از قبیل جریمه مالی، حبس و حتی اعدام را به دنبال دارد.

نتیجه: تحت تأثیر اهمیت نظم عمومی در فقه، فعالیت‌های اقتصادی مخل نظم عمومی جرم‌انگاری شده است اما سیاست کیفری در این خصوص با نارسایی‌ها و انتقاداتی رویه‌روست. فقدان ضمانت اجرای مؤثر، عدم قطعیت کیفرها، رویکرد امنیتی به مجازات‌ها و عدم توجه به اصلاح و باز اجتماعی کردن مجرمین از مهمترین انتقادات وارده به سیاست کیفری در خصوص جرایم اقتصادی مخل نظم عمومی است. بر همین اساس توجه قانونگذار به رفع نارسایی‌های مورد اشاره ضروری است.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۲۲-۱

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۱/۲۶

تاریخ اصلاح: ۱۴۰۱/۰۳/۱۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۴/۰۲

تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۰۷/۰۲

واژگان کلیدی:

جرایم اقتصادی، نظم عمومی، احتکار، جرم اخلال در نظم اقتصادی، اختلاس و رشوه.

نویسنده مسوول:

محمد مسعودی نیا

آدرس پستی:

ایران، تهران، دانشگاه پیام نور، دانشکده علوم اجتماعی و حقوق، گروه حقوق.

تلفن:

۰۹۱۴۳۹۲۵۶۰۱

کد ارکید:

0000-0002-0225-9409

پست الکترونیک:

Masoudinia@pnu.ac.ir

۱. مقدمه

اقتصاد هر کشوری، رکن مهم آن کشور می‌باشد به‌گونه‌ای که ارکان سیاسی، فرهنگی، علمی و غیره وابسته به این رکن می‌باشد. در حال حاضر ملاک تقسیم‌بندی کشورها به توسعه‌یافته، در حال توسعه و عقب‌افتاده ملاک اقتصاد و رشد اقتصادی است؛ هر کشوری که ثروت بیشتری دارد، در سایر زمینه‌ها نیز پیشرفته‌تر است. از این رو توسعه‌ی اقتصادی نیاز به نظم و امنیت دارد و بخشی از ضمانت اجرای نظم و امنیت اقتصادی را حقوق کیفری تأمین می‌کند. جرم اقتصادی یکی از مفاهیم جدید جامعه مدرن است که به لحاظ تهدیدات آن نسبت به ثبات و امنیت جوامع، سنت‌ها و ارزش‌های اخلاقی و عدالت، توسعه‌ی پایدار و حاکمیت قانون بیش از پیش موجب نگرانی شده است. آنچه امروزه به جرم اقتصادی مشهور است متضمن لطمه شدید به نظام هر کشور و نیز نظام اقتصادی بین‌المللی یعنی چرخه تولید، توزیع، حمل‌ونقل و پول است و یا به عبارتی اختلال در نظام اقتصادی کشور شامل مجموعه اقداماتی است که هرکدام از آنها به‌تنهایی برای به هم زدن جریان طبیعی و سالم زندگی جامعه کافی است. یکی از رسالت‌های علم حقوق، در تعامل با علم اقتصاد، حفظ نظم اقتصادی در جامعه است. بی‌نظمی اقتصادی یا اختلال در آن گاهی موجب سلب امنیت و آسایش عمومی می‌شود و آثار و تبعات آن کلیت جامعه و زندگی اجتماعی را به مخاطره می‌اندازد اینجاست که برخورد قاطع و مبارزه جدی با اختلال‌گران در نظم اقتصادی از

طریق واکنش‌های کیفری و مجازات مرتکبین ضرورت می‌یابد از این رو حفظ نظم و آرامش جامعه و کنترل پدیده‌های مجرمانه رسالتی است بر عهده سیاست جنایی هر کشوری که توسل به نظام کیفری یا ابزارهای غیر کیفری را در برمی‌گیرد. در خصوص جرایم اقتصادی تألیفات متعددی انجام شده است: علی اسدی و همکاران در مقاله‌ای، به بررسی تسری افساد فی الارض به جرایم اقتصادی؛ بسترها و چالش‌های آن پرداخته است (اسدی و همکاران، ۱۴۰۰). همچنین صدیقه نقره‌کوب مقدم و همکاران، در مقاله‌ای از پیشگیری از جرائم اقتصادی در سیاست جنایی اسلام بحث کرده‌اند (نقره‌کوب مقدم و همکاران، ۱۳۹۹) مهدی مقیمی نیز در مقاله‌ای، به بررسی حقوقی جرم‌شناختی جرایم اقتصادی با تأکید بر راهکارهای پیشگیری ملی و فراملی پرداخته است (مقیمی، ۱۳۹۶). اما به بررسی فقهی جرایم اقتصادی تأثیرگذار بر نظم عمومی بحث نشده و در مقاله حاضر تلاش شده به بررسی این موضوع مهم پرداخته شود. سوال اساسی که در این خصوص مطرح و بررسی می‌شود این است که رویکرد فقه نسبت به نظم عمومی و جرایم اقتصادی تأثیرگذار بر نظم عمومی چگونه است؟ فرضیه مقاله نیز بدین شکل قابل طرح است که «فعالیت‌های اقتصادی برهم‌زننده تعادل اقتصادی مانند احتکار و اختلال در نظم اقتصادی از منظر فقهی ممنوع بوده و در حقوق کیفری مجازات حبس، جزای نقدی و حتی اعدام به همراه دارد». به منظور بررسی سوال و فرضیه مورد اشاره ابتدا به بررسی مفهوم جرایم اقتصادی و رویکرد فقه نسبت

که در قانون برای آن، مجازات تعیین شده باشد (زراعت، ۱۳۹۱، ۳). واژه اقتصاد در لغت به معنای حد میانه و اعتدال است و از نظر اصطلاحی به معنای فن اداره‌ی عملیات تولید، توزیع و مصرف کالاها و خدمات است، یعنی به مجموعه‌ی قواعد و مقرراتی گفته می‌شود که امور اقتصادی را در جامعه تنظیم می‌کند. علمی که موضوع آن تولید، توزیع و مصرف باشد، علم اقتصاد نامیده می‌شود و برنامه‌هایی که اهداف اقتصادی را تنظیم می‌کند، سیاست اقتصادی نام دارد. برناردشاو، اقتصاد را هنر آفرینش زندگی بهتر توصیف کرده است. از مجموع این عبارتها و تعاریف می‌توان، جرائم اقتصادی را فعل یا ترک فعلی نامید که مقررات اقتصادی را نقض می‌کند و مستوجب مجازات است. حقوق کیفری اقتصادی نیز مجموعه‌ی قواعد و مقررات کیفری است که فعالیت‌های اقتصادی را مورد حمایت قرار می‌دهد (زراعت، ۱۳۹۱، ۴).

از آنجایی که جرم اقتصادی یک مفهوم خاص کیفری نیست، تعریف و توصیف آن، به لحاظ دامنه، گستره متنوع جرائم مرتبط با جایگاه مرتکب، فعالیت‌های حرفه‌ای او، منفعت اقتصادی مورد حمایت و غیره چندان آسان نیست. به همین خاطر هر نویسنده‌ای، تعریفی خاص از آن ارائه می‌دهد. جرائم اقتصادی به رفتارهای مجرمانه‌ای اطلاق می‌شود که موجبات زیان به نظام تولید، توزیع و مصرف را فراهم سازد (جمشیدی، ۱۳۸۸، ۷۱؛ فرجی‌ها و مقدسی، ۱۳۹۲، ۱۷۹). جرائم اقتصادی در عمل موجب اختلال در نظم اقتصادی کشور می‌باشند (خداییان چگینی، ۱۳۹۱، ۳). برخی

به نظم عمومی پرداخته شده و در ادامه از جرایم اقتصادی تأثیرگذار بر نظم عمومی و نارسایی‌های سیاست کیفری در این خصوص بحث شده است.

۲. مواد و روش‌ها

مقاله حاضر توصیفی - تحلیلی بوده و از روش کتابخانه‌ای استفاده شده است.

۳. ملاحظات اخلاقی

در این مقاله، اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

۴. یافته‌ها

نظم عمومی در منابع فقهی از اهمیت بالایی برخوردار است. بر همین اساس فعالیت‌های اقتصادی که برهم زننده و مخل نظم عمومی است جرم تلقی می‌شود. احتکار، جرم اختلال در نظم اقتصادی و رشوه از جمله جرایمی است که بر نظم عمومی تأثیر منفی داشته و لذا مجازات‌هایی از قبیل جریمه مالی، حبس و حتی اعدام را به دنبال دارد.

۵. بحث

۵-۱. مفهوم جرائم اقتصادی

عبارت جرم اقتصادی از دو واژه‌ی جرم و اقتصادی تشکیل شده است. جرم در لغت به معنای گناه، بریدن و کسب می‌باشد و در اصطلاح حقوقی به رفتاری اطلاق می‌شود که قابل تعقیب کیفری است، برای این که مرتکب آن، مجازات شود و در اصطلاح قانونی به فعل یا ترک فعلی گفته می‌شود

متمایز می‌شوند و ماهیت پیچیده‌ای پیدا می‌کنند. این ویژگی‌ها بررسی جرایم اقتصادی از نظر جرم‌شناسی را مشکل می‌سازد، زیرا جرم‌شناسی علمی جهانی است که حدودمرز ندارد و همان‌گونه که علم پزشکی، اختصاص به یک کشور و منطقه خاص ندارد، جرم‌شناسی نیز همین ویژگی را دارد. در جرم‌شناسی اصطلاح یقه‌سفیدها از اصطلاح جرایم اقتصادی کاربرد بیشتری دارد، زیرا مرتکب جرم از نظر این رشته مهم‌تر از جرم است (ساکي، ۱۳۹۳، ۵). عرف قانون‌گذار بر آن نیست که جرایم را تعریف کند بلکه فقط عنوان جرم و ارکان آن را بیان کرده و مجازاتش را تعیین می‌نماید مانند خیانت در امانت، جعل، کلاهبرداری، قتل و غیره تعریف واژه‌ها و عناوین مجرمانه بر عهده‌ی عرف حقوقی می‌باشد و جرایم اقتصادی نیز تابع همین قاعده است. اما برخی از کشورها قانون مستقل و خاصی را به جرایم اقتصادی اختصاص داده و علاوه بر تعیین عناوین مجرمانه، تعریفی از این جرایم نیز ارائه داده‌اند.

۵-۲. نظم عمومی

در مورد تعریف نظم عمومی و قابلیت و عدم قابلیت تعریف نظم عمومی اختلاف نظر وجود دارد (الماسی و همکاران، ۱۳۹۵، ۶)؛ علی‌رغم اختلاف نظر امکان تبیین نظم عمومی در حقوق وجود دارد (مدنیان و همکاران، ۱۳۹۰، ۱۴۴). نظم عمومی «مجموعه تأسیسات حقوقی و قوانین وابسته به حسن جریان لازم امور مربوط به کشور و یا راجع به صیانت امنیت و اخلاق در روابط آحاد مردم است که اراده

جرایم مالی را جزئی از جرایم اقتصادی می‌دانند ولی مفهوم جرم اقتصادی با جرایم مالی نیز از نظر طبیعت یا ماهیت و هدف متفاوت است (زمانی، ۱۳۹۲، ۱۹۹-۱۹۷). در جرایم مالی، مصلحت خزانه دولت مورد تعدی و تجاوز قرار می‌گیرد و از طرفی ارزش مورد حمایت، اساساً سرمایه و دارایی اشخاص عمومی است مانند جرایم اختلاس و تدلیس در معاملات دولتی. اما کلاهبرداری، پول و یا اموال دیگری را با هدفی خاص به تملک خود درآوردن است.

جرایم اقتصادی جرائمی هستند که، قوانین و مقررات جنایی و اقتصادی که وجوه مختلف فعالیت‌های اقتصادی را تنظیم می‌نماید نقض کرده و مصلحت عامه را به خطر مواجه می‌سازند (عشماوی، ۱۳۸۹، ۱۹-۱۸). هر نوع تصرف غیرقانونی در اموال دولتی سوءاستفاده از موقعیت و استفاده غیرقانونی از اختیارات و قدرت برای استفاده از امکانات مالی (دادگر و معصومی‌نیا، ۱۳۸۹، ۱۵). جرایم اقتصادی، نقض سیاست‌ها و برنامه‌های اقتصادی یک کشور محسوب می‌شود و کشورهای مختلف دارای سیاست‌ها و برنامه‌های متفاوتی هستند. حتی در یک کشور ممکن است در یک زمان خاص، سیاست خاصی وجود داشته باشد و در زمان دیگری، سیاست خاص دیگری حکم‌فرما شود پس جرایم اقتصادی، جرایم طبیعی نیستند بلکه وضعی و قراردادی هستند. این جرایم از نظر مرتکب، از نظر ارکان و عناصر تشکیل‌دهنده‌ی جرم، از نظر شرایط، اوضاع و احوال حاکم بر یک کشور و عوامل دیگر از جرایم عادی

می‌نماید هرچند که ممکن است این مصالح عمومی تحت تأثیر برخی شرایط همچون زمان و مکان و... تغییرات مصداقی داشته باشد، اما مفهوم آن همچنان پایدار خواهد بود. لذا می‌تواند گفت نظم عمومی یک نهاد حقوقی است که برای تأمین و تضمین امنیت، آرامش و مصالح عمومی و خصوصی افراد جامعه، در سایه قانون و توسط قدرت‌های حاکم در جامعه ایجاد و حفظ می‌شود.

۵-۳. نظم عمومی در فقه

نظم عمومی در فقه از اهمیت بالایی برخوردار است. در این قسمت به مصادیق مختلفی از پرداختن فقها به مصادیق مختلف نظم عمومی اشاره می‌شود که بر جایگاه مهم این مفهوم نزد فقها دلالت دارد: می‌توان ادعا کرد براساس فقه شیعه یکی از موارد مصرف زکات اموری است که موجب خاموش شدن فتنه و آشوب یا منجر به ایجاد و حفظ نظم عمومی می‌شود (طباطبایی یزدی، ۱۴۰۹، ۴، ۲۰). اگر حفظ نظام متوقف شود بر اخذ زکات و مصرف آن در زمینه اموری که موجب حفظ نظام می‌شود فقیه می‌تواند از باب حسبه ورود پیدا کرده و زکات را از صاحب مال بگیرد ولو به صورت اجبار (تبریزی، ۱۴۱۷، ۲۲۷). از دید برخی فقها، حفظ نظام مجتمع از جمله ادله وجوب قضاء می‌باشد (موسوی اردبیلی، ۱۴۲۱، ۲، ۱۰۷). از نظر برخی دیگر، رعایت مقررات نظام المجتمع واجب است (سیستانی، ۱۴۰۱، ۴۹۲). هرچند از جانب دولت غیراسلامی وضع شود. برخی از فقها نیز بر این باورند که بعضی امور جامعه جزء وظایف افراد عادی

افراد جامعه در جهت خلاف آن‌ها بلااثر باشد» (مدنیان و همکاران، ۱۳۹۰، ۱۴۵). در تعریف دیگر «نظم عمومی عبارت است از نظام کشور یعنی نظم سازمان‌ها و مقرراتی که ناگزیر دولت باید آن‌ها را در معرض اجرا بگذارد» (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۶، ۹۷).

قانون نیز «نظم عمومی» را تعریف نکرده است. ماده ۹۷۵ قانون مدنی تشخیص مصداق نظم عمومی را به قاضی واگذار کرده است. برخی نیز معتقدند نظم عمومی از نظر مفهوم تابع دو متغیر زمان و مکان است (خویی، ۱۴۱۶، ۳، ۳۹۷)، و چه بسا اعمالی در زمانی مخالف نظم عمومی باشد ولی در زمان دیگر هیچ مخالفتی بانظم عمومی نداشته باشند، ولی با توجه به اینکه نظم عمومی یکی از عوامل تحدیدکننده اصل آزادی اراده است باید تلاش شود که موارد مغایر نظم عمومی به حداقل برسد (احمدی واستانی، ۱۳۴۱، ۲۴۴-۲۴۵). نظم عمومی پدیده‌ای منفک از جامعه نیست و مفاهیمی چون: قواعد آمره، انتظام عمومی، عفت عمومی، اخلاق عمومی، خدمات عمومی، منافع عمومی، رفاه عمومی (رفاه اجتماعی) نیز در نظم عمومی بایستی مدنظر قرار بگیرد. نگارنده بر این باور است که اولاً؛ این اختلاف‌نظرها به خاطر کثرت مصادیق نظم عمومی است و ثانیاً؛ اگرچه تعاریف متفاوتی از نظم عمومی ارائه شده، اما همه دانشیان این عرصه، یک برداشت مشترک از نظم عمومی دارند و آن برداشت این است که نظم عمومی مقوله‌ای است که با تکیه بر قانون و قانون‌گذار، مصالح عمومی جامعه را، در همه عرصه‌های اجتماعی، تعریف، تضمین و تأمین

۱۴۱۷، ۲۷). در زمان عدم حضور امام عصر ولایت شرعیه برای تنظیم امر بلاد و حفظ آن بر عهده فقیه جامع‌الشرایط است (تبریزی، ۱۳۸۷، ۱، ۱۵۷).

همان‌گونه مشاهده می‌شود نظام و واژگان مترادف آن در تمامی امثله فوق به معنای نظم عمومی به کار رفته است. به مدد مثال‌های فوق این مطلب کاملاً واضح می‌شود که؛ واژه «نظام» به‌طور مطلق و یا با پیشوندهایی همچون «اختلال» و «حفظ» و پسوندهایی همچون «العام»، «المجتمع»، «الاجتماع»، «البلاد»، «العباد»، «النوع»، «المعاش» و «المعاد» و... در فقه به معنای نظم عمومی است و کاربرد واژه «نظام» به معنای نظم عمومی در علم فقه بیشتر از دیگر معانی آن است. به‌عنوان نمونه عدم رعایت قوانین و مقررات رانندگی قطعاً موجب برهم خوردن نظم عمومی و ایجاد بی‌نظمی در جامعه می‌شود و لذا در مبحث «نظام» به معنی نظم عمومی» نمی‌توان واژه نظام را بر دیگر معانی حمل کرد. همچنین پرواضح است که واژه نظام با پسوند «عام» به معنی نظم عمومی است، یعنی احتکار منافی نظم عمومی جامعه است.

از دیگر دلایل قابل ارائه بر اینکه واژه «نظام» مطرح در متون فقهی با واژه «نظم عمومی» مطرح در علم حقوق، مترادف و هم‌معناست، ویژگی‌هایی است که در متون حقوقی برای نظم عمومی بیان شده است. این ویژگی‌ها عبارت‌اند از: ۱) نظم عمومی با منافع و مصالح جامعه مرتبط است (کاتوزیان، ۱۳۹۲، ۱، ۱۵۹). ۲) و از مهم‌ترین اوصاف نظم عمومی، نظامی است که به پیروی همگان بستگی دارد (کاتوزیان،

نیست و ربطی به آن‌ها ندارد بلکه جزء امور عامه اجتماعی است که حفظ نظام اجتماع بدان‌ها بستگی دارد، مثل قضاوت (منتظری، ۱۴۱۶، ۷۳). برخی دیگر، دلیل حجیت ید را، حفظ نظام اجتماع از اختلال می‌دانند (میلانی، ۱۴۰۰، ۴۵۰). همچنین ادعای زوجیت مسقط حد است در غیر این صورت اختلال در نظام اجتماع لازم می‌آید (مقدس نجفی، ۱۴۱۰، ۱، ۳۹). به اعتقاد برخی فقها، سیره عقلاء حفظ نظام اجتماع و دوری از اشرار است (سبزواری، ۱۴۱۳، ۱، ۷۷). از نظر عقلی ظاهراً چنین به نظر می‌رسد که مجازات تعزیر برای تأدیب جنایتکار و حفظ نظام عام وضع شده است (جزیری، ۱۴۱۹، ۵، ۱۵). از دیدگاه برخی فقها، «همان مقدار از سلطنت دینی و زمانی و ولایت عامه در امور مردم ... و آنچه که نظم بلاد و انتظام عباد و رفع فساد بدان بستگی دارد و برای امام آلتی ثابت است در عصر غیبت برای فقیه جامع‌الشرایط نیز ثابت است (کاشف الغطاء، ۱۳۸۴، ۱، ۳۴۱). برخی فقها نیز بر این باورند که وجود یک نفر سیاست‌مدار برای تنظیم اجتماع ضروری است و برحسب وجدان اطاعت از او نیز واجب است (منتظری، ۱۴۰۸، ۱، ۵۷۴). برای تنظیم نظم اجتماعی و قضایی بر مجلس لازم است موارد صدور قرار حبس را تعیین نماید (موسوی اردبیلی، ۱۴۲۱، ۱، ۳۱۲). اگر حفظ نظم بلاد و امنیت متوقف باشد بر قطع انگشتان دست کودک سارق، این کار جایز است (تبریزی، ۱۴۲۷، ۳، ۳۹). همچنین اگر تأمین نظام بلاد متوقف بر تحصیل زکات باشد وصول زکات واجب است (تبریزی،

براساس این قاعده ضرورت حفظ نظام و یا همان نظم عمومی تا آنجاست که اختلال نظام را یکی از ادله حاکم بر سایر احکام و مقررات اسلامی به شمار آورده‌اند و در هر موردی که حکمی از احکام اسلامی موجب اختلال در نظام شود آن را منتفی و به‌عنوان حکم ثانوی بی‌اثر تلقی کرده‌اند، حتی برخی آن را فراتر از یک عنوان ثانوی دانسته و بلکه مبنای بسیاری از قواعد و احکام فقهی دیگر (امیدی‌فرد و باقی‌زاده، ۱۳۹۱، ۶۱) و پشتوانه افتاء فقیه می‌دانند (علی‌دوست، ۱۳۸۸، ۱۲۴، ۱۲۸)، به همین جهت برخی از علمای معاصر وجوب حفظ نظام و حرمت اختلال در نظام را جزء احکام اولیه دانسته‌اند (ورعی، ۱۳۹۳، ۸). موضوع نظم عمومی بسیار مورد توجه اسلام بوده و جزء ضروریات دین اسلام و از اهم واجبات است. آنچه در متون دینی و کلام پیشوایان دین در خصوص نظم عمومی مطرح شده است از نظر معنا، مفهوم، قلمرو و اهمیت، بسیار گسترده است. تقریباً در تمامی ابواب فقهی موضوع نظم عمومی قابل مشاهده است. وجود قاعده «وجوب حفظ نظام و حرمت اختلال در آن» در فقه اسلامی گویای این مطلب است.

۴-۵. جرائم اقتصادی تأثیرگذار بر نظم

عمومی

در این قسمت به بررسی برخی از مهمترین جرائم اقتصادی تأثیرگذار بر نظم عمومی پرداخته می‌شود.

۱۳۹۲، ۱، (۱۵۹). ۳) در حقوق مدنی همه قوانین امری در زمره قواعد مربوط به نظم عمومی است (الماسی، ۱۳۸۲، ۱۲۷). ۴) نظم عمومی محدودکننده آزادی افراد است (کاتوزیان، ۱۳۹۲، ۱، ۱۶۲). ۵) نظم عمومی دایره شمول خاص ندارد و برحسب مقتضیات زمان تغییر می‌کند (الماسی و همکاران، ۱۳۹۵، ۱۳۲). ۶) رعایت نظم عمومی یکی از مهم‌ترین عوامل ایجاد ثبات و آرامش در جامعه است (اسماعیلی، ۱۳۷۹، ۲۶۲).

با کمی دقت مشخص می‌شود که این ویژگی‌ها، با ویژگی‌ها مطرح‌شده در مثال‌های فقهی فوق‌الذکر کاملاً هم‌سو و قابل تطبیق است. در نتیجه حاصل این گفتار چنین خواهد شد؛ با توجه به مثال‌های فقهی و ویژگی‌هایی که از نظم عمومی در متون حقوقی وجود دارد می‌توان چنین نتیجه گرفت که نظم عمومی از دیرباز مطمح نظر فقهاء بوده است و فقهاء به وفور در آثار خود از آن سخن گفته و زمانی که از واژگانی همچون «حفظ نظام، اختلال نظام، نظام‌المجتمع، نظام‌الاجتماع، نظام‌العام، نظام‌النوع، نظام‌العباد، نظام‌المعاش و المعاد، نظام‌البلاد، نظم‌البلاد، تنظیم امور اجتماع و... استفاده می‌کنند منظورشان همان مفهوم نظم عمومی مطرح در علم حقوق است. در تأیید این مدعا نیز می‌توان به ماده ۶ آئین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۱۸ نیز استناد کرد که در این ماده قانون‌گذار برای واژه نظم عمومی از واژه نظام عمومی استفاده کرده است. ضرورت حفظ نظم عمومی موجب شده است تا در فقه قاعده‌ای به نام «قاعده عقلی منع اختلال نظام» پایه‌ریزی شود (ورعی، ۱۳۹۳، ۴).

۵-۴-۱. اختلاس

یکی از جرائم متداول اقتصادی در جوامع بشری سوءاستفاده مأمورین دولتی از اموال عمومی که در اختیار آن‌ها بر حسب وظیفه گذاشته شده است اختلاس می‌باشد. این اموال از آن جهت که مالک خاصی نداشته و اصولاً مربوط به بیت‌المال و همه مردم و جامعه بوده و نظارت بر آن گونه که در اموال شخصی وجود داشته ندارد، و از طرفی نوعاً افرادی که از این اموال با انواع تصرفات سوءاستفاده می‌نمایند سلطه بر آن داشته و استفاده و نگهداری از این اموال بر عهده آن‌ها می‌باشد، بیشتر و راحت‌تر مورد تعرض قرار می‌گیرد. سوءاستفاده از اموال عمومی از اعمال مجرمانه‌ای است که به فساد اقتصادی در جوامع دامنه زده و بدبینی و انزجار را در بین ملت‌ها نسبت به قوای حاکم ایجاد کرده است. این جرم از آن جهت که اولاً متوجه اموال است، و ثانیاً وقوع آن امنیت اجتماعی را مختل می‌سازد، دارای دو جنبه می‌باشد. اول جرائم علیه اموال است و جنبه دیگر جزء جرائم علیه آسایش عمومی خواهد بود. به‌طور کلی می‌توان گفت این بزه هم دارای جنبه خصوصی است چه اینکه ممکن است اموال اشخاص مورد اختلاس قرار گیرد، هم جنبه عمومی می‌باشد (رمضانی، ۱۳۸۰، ۱۷)، لیکن چون اختلاس با نظم عمومی ارتباط نزدیک داشته جنبه عمومی آن بر جنبه دیگرش غلبه دارد. از طرفی شائبه حق الهی بودن اختلاس نیز وجود دارد زیرا در نظریه ۷/۱۵۴۴ مورخ ۶۶/۳/۲۴ اداره حقوقی قوه قضائیه در پاسخ به سوالی که آیا محاکمه غیابی متهم به اختلاس جایز است یا نه؟

با مطرح کردن این پاسخ که چون اختلاس از جرائم عمومی است بلاشکال می‌باشد، آن را در زمره جرائم عمومی دانسته است (شهری، ۱۳۷۷، ۴۶۶) چون در جرائمی که حق الهی است محاکمه غیابی نیز جایز نمی‌باشد این توهم وجود داشته که اختلاس از جرائم حق الهی بوده و محاکمه مرتکبین آن جایز نیست، و اداره حقوقی قوه قضائیه با طرح جنبه عمومی بزه اختلاس محاکمه غیابی عاملین آن بلامانع دانسته است. اختلاس را می‌توان با توجه با اینکه یکی از جرائم علیه اموال است و دارای اثرات سوء علیه عامه مردم و جامعه بوده و موجبات اختلال در نظم عمومی را فراهم می‌کند از «جرائم اقتصادی» به شمار آورد. فقها هرکس مالی را از غیر حرز بدون سلاح و بدون زور اخذ و ببرد مختلس نامیده‌اند (طباطبایی، ۱۴۱۹، ۱۰، ۲۱۹). لیکن در اینکه اخذ کردن و بردن باید پنهانی باشد یا چنانچه آشکارا هم مرتکب این عمل را انجام دهد مختلس محسوب می‌شود، بین فقها اختلاف است. برخی مخفی بودن را از صفات لازم اخذ کردن و بردن می‌دانند و چنانچه مخفی نباشد آن عمل را اختلاس نمی‌دانند (شهید ثانی، ۱۴۱۹، ۱، ۲۰). براساس این اختلاف، در اینکه «اختلاس» و «استلاب» یکی است یا این دو تفاوت دارند ایجاد اختلاف شده است. کسانی که اختلاس را بردن مال به صورت مخفی از غیر حرز می‌دانند عقیده دارند اختلاس و استلاب تفاوت دارند. تفاوت این دو به این است که چنانچه مال به صورت مخفی از غیر حرز برده شود اختلاس و چنانچه به صورت آشکار از غیر حرز آن برابند استلاب است. کسانی که

قائل به این هستند که مخفی بودن مال لازمه اختلاس نیست، اختلاس و استلاب را یکی دانسته و بین آن دو قائل به فرق نمی‌باشند (طوسی، ۱۳۶۰، ۵۱۲). چنانچه مراد از مخفی بودن مال بردن آن در حال غفلت مالک باشد نه مخفی از دید دیگران، می‌توان ادعا کرد بین دو نظریه تفاوتی وجود ندارد (نجفی، ۱۴۰۴، ۲۳، ۵۱۷). اختلاس در حقوق: "اخذ یا تصاحب اموال دولتی یا اموال شخصی که به حکم قانون در اختیار کارمند دولت یا کسی که در حکم او است به نفع خود یا دیگری" (شامبیاتی، ۱۳۷۵، ۱۳۵) در قانون مجازات عمومی دو ملاک برای میزان وجه اختلاس شده در نظر گرفته شده بود: اول اینکه ارزش آن کمتر از پنج هزار ریال باشد، دوم اینکه ارزش آن بیش از پنج هزار ریال، و نیز چنانچه جمع مبلغ اختلاس شده کمتر از پانصد هزار ریال می‌بود کیفر خاصی برای آن پیش‌بینی گردیده بود، در قانون تشدید تا میزان پنجاه هزار ریال مجازات خاصی داشته و بیش از آن نیز دارای کیفر دیگری است. به طور کلی قانون‌گذار در قانون تشدید مجازات ماده ۵ و تبصره ۶، چهار نوع کیفر برای عاملین اختلاس در نظر گرفته است:

۱. حبس ۲. انفصال از خدمت (موقت و دائم) ۳. رد مال
۴. جزای نقدی. چنانچه ارزش مال اختلاس شده تا پنجاه هزار ریال باشد مرتکب به حبس از شش ماه تا سه سال و نیز به انفصال موقت از شش ماه تا سه سال و به رد مال و جزای نقدی معادل دو برابر ارزش مال محکوم خواهد شد. و چنانچه ارزش آن بیش از پنجاه هزار ریال باشد محکومیت حبس دو تا ده سال و انفصال دائم و رد مال و جزای

نقدی به میزان دو برابر مال خواهد بود. براساس تبصره ۴ ماده ۵ قانون تشدید. برای حداقل نصاب دو مبلغ مذکور (تا پنجاه هزار ریال و یا بیش از آن لازم نیست) مرتکب یک دفعه آن را اختلاس کرده باشد، حتی اگر برای چند بار مستخدم مرتکب اختلاس شده باشد و جمع مبلغ اختلاس شده به حداقل نصاب یکی از دو مبلغ مذکور در قانون برسد کفایت می‌کند.

۵-۴-۲. رشوه

رشوه از جرائم اقتصادی بسیار مهم است که به دلیل نقش‌آفرینی آن در مسائل کلان اقتصادی جامعه از دیرباز مورد توجه قانونگذاران بوده است. ضربات و ضررهای ناشی از این بزه بخصوص در امور اقتصادی و گستردگی آن در بسیاری از نهادهای حکومتی، قانونگذاران را بر آن داشته است در این خصوص به جرم‌انگاری و وضع مقررات و تعیین کیفر نسبتاً شدیدی مبادرت ورزند. از آنجا که در فقه اسلامی در رابطه با این جرم و پیشگیری از آن دستورات مؤکدی صادر شده است. رشوه از نظر لغت از کلمه «رشاء» گرفته شده است و «رشاء» به معنای ریسمان و ریسمان دلو است (الخوری اشرتوتی، ۱۴۰۴، ۱، ۴۰۷). کلمه «رشاء» به عنای ریسمان چاه (ثعلبی، ۱۴۱۴، ۲، ۲۵۹) و ریسمان بلند (ابن فارس، ۱۳۵۸، ۲، ۲۹۷) هم استعمال می‌گردد. در کاربرد اصلاحی به عبارتهای گوناگون از این کلمه تعبیر شده است. برخی رشوه را «اعطاء چیزی برای ابطال حق یا احقاق باطلی» (ثعلبی، ۱۴۱۴، ۲، ۲۵۸) می‌دانند. صاحب قاموس از رشوه

نشود بلکه راشی هدفش رسیدن به حق باشد دادن رشوه حرام نخواهد بود. و علت عدم حرمت دادن رشوه برای وصول حق این است که ادله نفی ضرر (مثل لاضرر و لاضرار فی الاسلام) دلالت بر این دارد که انسان باید ضرر را از خودش دور کند، و نرسیدن به حق برای راشی ضرر است، پس چنانچه با دادن رشوه به حق خود برسد و بدین وسیله فرد دفع ضرر کرده باشد مرتکب فعل حرامی نشده است (خویی، ۱۴۱۶، ۳، ۲۷۲). با توجه به شمول و گستردگی مفهوم بزه رشوه در نظام حقوقی فعلی می‌توان رعایت حسن اداء وظیفه مأمورین دولتی و پاک کردن اقدامات حکومتی که از ناحیه ایشان اعمال می‌شود، و جلوگیری از عدم رعایت مساوات بین افرادی که از نظر قانون مساوی می‌باشند، و جلوگیری از وقوع اولویت در دادن خدمات افرادی که ثروتمند یا ذی نفوذ یا صاحب حيله برای اغوا دولت هستند را علت تحریم رشوه دانست. قانون‌گذار ایران در قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری مجازاتی برای راشی ذکر نکرده است، ولی در ماده ۵۹۲ قانون مجازات اسلامی مجازات راشی را علاوه بر ضبط مال ناشی از ارتشاء محاکم را بین اعمال محکومیت حبس از شش ماه تا سه سال حبس و یا تا ۷۴ ضربه شلاق تعزیری نسبت به وی مخیر کرده است. جرم ارتشاء از جرایمی است که واجد جنبه عمومی بوده و غیرقابل گذشت می‌باشد؛ یعنی با گذشت شاکی خصوصی هم جریان تعقیب متوقف نمی‌شود. همین نکته اهمیت این جرم را نشان می‌دهد. گیرنده مال رشوه باید با سوءنیت آن را انجام داده

به «دستمزد و حق السعی» تعبیر کرده است (فیروزآبادی، ۱۴۱۹). در اصطلاح حقوقی: دادن چیزی به طمع صدور حکمی و یا تسریع انجام کاری و یا رسیدگی به آن خارج از نوبت و حتی برای احقاق حق و دفع باطلی و یا عکس آن احیای باطل و از بین بردن حق دیگران.

در فقه اسلامی یکی از اعمال حرام و غیرشرعی در فقه اسلامی دادن و گرفتن رشوه می‌باشد. در خصوص اصل حرمت رشوه، صرف‌نظر از اختلافی که در مورد رشوه بین فقهاء هست. اتفاق‌نظر است به طوری که اکثر فقهاء در خصوص آن ادعا اجماع کرده‌اند (روحانی، ۱۳۹۲). و حتی برخی پا را فراتر نهاده و حرمت آن را از ضروریات دین و بی‌نیاز از استدلال دانسته‌اند (حر عامل، ۱۴۰۹، ۲، ۴۵)، برای اثبات حرمت رشوه به آیاتی از قرآن مجید به‌خصوص آیه شریفه ۱۸۸ سوره بقره و روایاتی که از رسول خدا، صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وآئمه معصومین علیه‌السلام، رسیده است و اجماع فقهاء و عقل استدلال شده است. علت حرمت رشوه در اسلام به خاطر اعمال ظلمی است که بوسیله دادن و گرفتن رشوه صورت می‌پذیرد. چه اینکه دادن رشوه نوعاً به خاطر نادیده گرفتن حقی یا اعمال ظلمی می‌باشد و ظلم به هر شکل حرام است. و از طرفی اخذ رشوه از ناحیه مرتشی کمک به ظالم برای تحقق ظلم است، چون راشی هدفش از دادن رشوه تقویت حق طرف دیگر یا رسیدن به منفعتی من غیر حق می‌باشد و از این گذشته اخذ رشوه باعث اشاعه فساد و جور حکم به غیرحق خواهد شد. چنانچه دادن رشوه باعث باعث تقویت حق طرف

و از جرم بودن این عمل آگاهی داشته باشد. اگر گیرنده مالی را به عنوان هبه یا قرض گرفته باشد و بعداً متوجه شود که سوءنیتی در آن وجود دارد، با توجه به اینکه سوءنیتی نداشته جرم ارتشا صورت نگرفته است. در تحقق جرم رشوه راشی باید از کارکنان دولتی باشد نه کارکنان عادی و غیردولتی. در غیر این صورت عنوان اخذ مال برای عمل غیرقانونی کلاهبرداری یا اخاذی می‌باشد.

۵-۴-۳. اخلال در نظم اقتصادی

جرائم اخلالگری در نظام اقتصادی کشور در ماده یک قانون مجازات اخلالگری در نظام اقتصادی کشور در شش بند ذکر شده و عبارتند از: (۱) اخلال در نظام پولی یا ارزی کشور: این جرم از طرق قاچاق عمده ارز یا ضرب سکه قلب و یا جعل عمده اسکناس و یا واردکردن و یا توزیع نمودن عمده آن محقق می‌شود برای وقوع این جرم لازم نیست پول و سکه رایج کشور ایران مورد قاچاق و یا ضرب تقلبی قرار گیرد حتی اگر این پول‌ها و سکه‌ها به دول دیگر تعلق داشته است برای تحقق این جرم کافیست. (۲) اخلال در امر توزیع مایحتاج عمومی و گران‌فروشی: احتکار عمده ارزاق یا نیازمندی‌های عمومی، خرید انبوه تولیدات کشاورزی و سایر تولیدات مورد نیاز عامه به منظور ایجاد انحصار یا کمبود در عرضه آن از مصادیق اخلال در امر توزیع مایحتاج عمومی می‌باشد. (۳) اخلال در نظم تولیدی کشور: سوءاستفاده از فروش غیرمجاز تجهیزات فن و مواد اولیه در بازار آزاد یا تخلف از تعهدات مربوط در مورد آن در رشاء و ارتشاء عمد در امر تولید و

یا اخذ مجوزهای تولیدی در مواردی که موجب اخلال در سیاست‌های تولیدی کشور شود و امثال آن‌ها از موارد اخلال در نظام تولیدی کشور محسوب می‌گردد. (۴) هرگونه اقدامی که به قصد خارج کردن میراث فرهنگی یا ثروت ملی: درخصوص تحقق این بزه لازم نیست میراث فرهنگی یا ثروت‌های ملی به خارج انتقال داده شود چنانچه اقدامات مزبور به خروج آن منجر شده باشد مجرمانه تلقی می‌گردد در متن قانون به عمده بودن یا میزان ارزش و یا نوع کالا و ثروتی که قصد خارج کردن آن را مرتکبین دارند اشاره‌ای نشده است بنابراین اگر عاملان اقدام به خروج شیء کم‌ارزش از میراث فرهنگی محسوب می‌شود ولی مهیج نقشی در ایجاد اخلال در نظام اقتصادی کشور نداشته باشد بنماید باید آنها را اخلال‌گر اقتصادی به حساب آورد و مستحق مجازات دانست و حال آنکه این عمل با فلسفه قانون مزبور که واکنش مناسب با اخلالگران اقتصادی است مغایر است. مگر اینکه ادعا شود هر چیزی میراث فرهنگی و یا سرمایه ملی تلقی نمی‌گردد بلکه هرچه از این مقوله که اثرات مخرب اقتصادی برای جامعه در پی داشته باشد قاچاق میراث فرهنگی یا خروج سرمایه ملی خواهد بود. (۵) حیف و میل اموال مردم و اموال دولتی به صورت وجوه کلان به صورت قبول سپرده اشخاص حقیقی یا حقوقی تحت عنوان مضاربه و نظایر آن. (۶) اقدام باندی و تشکیلاتی جهت اخلال در نظام اقتصادی کشور: به هر صورت قانونگذار در این بند از ماده یک قانون زمینه را برای واکنش کیفری یا هرگونه اقدامی که نظام اقتصادی را

اخلال شدید در نظم عمومی و ورود خسارت عمده به اموال عمومی و خصوصی شود مفسد فی الارض محسوب می‌شود. در مواردی که اخلال اقتصادی عمده، کلان یا فراوان نباشد دادگاه علاوه بر حکم بر رد مال به دست آمده از طریق غیرقانونی، مرتکب را به حبس از شش ماه تا سه سال و جریمه نقدی معادل دو برابر اموال کسب شده محکوم می‌کند. مرتکبان جرائم مخل در نظام اقتصادی و کلیه شرکا و معاونان آنها علاوه بر مجازات‌های تعیین شده، به محرومیت از هرگونه خدمات دولتی یا حسب مورد به انفصال ابد از خدمت در دولت محکوم خواهند شد (باختر، ۱۴۰۰، ۳۶).

چنانچه جرائم مزبور موصوف به قصد ضربه زدن به نظام جمهوری اسلامی ایران و یا به قصد مقابله با آن و یا با علم به مؤثر بودن اقدام در مقابله با نظام مزبور می‌باشد به شرط اینکه این اقدامات در حد افساد فی الارض باشد مجازات اعدام برای مرتکب آن در نظر گرفته شده است. عنوان افساد فی الارض در نظام حقوقی ما و حتی در فقه اسلامی یک عنوان مورد بحث و تردید است و نظر واحدی بین فقها اسلام در این خصوص وجود ندارد (کاشف الغطاء، ۱۳۸۴، ۳۶۵؛ نجفی، ۱۴۰۴، ۲۱، ۳۲۴-۳۲۳). از طرفی چنانچه فساد فی الارض عنوان مستقلی باشد این عنوان مستقل الان در قانون مجازات بیان شده است که با محتوای این ماده کمی تعارض دارد. با این توضیح به نظر می‌رسد اعمال این کیفر (اعدام) برای این جرائم قابلیت اجرا نداشته باشد مگر قانونگذار به صراحت اعلام نماید. اولاً افساد فی الارض غیر از محاربه است و ثانیاً

متزلزل نموده است چون در تشخیص مصادیق این جرم معیار دقیق و مشخصی ارائه نشده است و افراد در تعیین مصادیق دارای اختلاف سلیقه می‌باشند به نظر می‌رسد این گونه جرم‌انگاری چون زمینه سوءاستفاده یا اغماض بی‌مورد را به همراه خواهد داشت خالی از ایراد نباشد، ثقل در سپردن پیمان ارزش یا تأدیه آن و ثقل در قیمت‌گذاری کالاهای صادراتی از نمونه مصادیقی است که قانونگذار در این بند به آن تصریح کرده است (جعفری مسلم و آقابابایی، ۱۴۰۰، ۳۲).

آنچه بیش از هر چیز در این قانون قابل توجه است عمده بودن میزان خسارت یا مبالغ مورد سوءاستفاده می‌باشد در تبصره این ماده علاوه بر تذکر به قاضی رسیدگی‌کننده در خصوص نحوه تشخیص عمده بودن که باید میزان خسارات وارده و منابع مورد سوءاستفاده و نیز آثار فساد دیگری که مترتب بر عملیات اجرایی مرتکبین بوده را در نظر بگیرد، وی را در جلب نظر مرجع ذی‌ربط مقامات رسمی و دولتی مخیر می‌نماید. کیفرهای در نظر گرفته شده برای جرائم اخلاص‌گری در نظام اقتصادی کشور عبارتند از: ۱. اعدام ۲. حبس ۳. شلاق ۴. ضبط اموال ۵. جزای نقدی ۶. انفصال دائم و موقت (کبیری و شفیعی خورشیدی، ۱۳۹۷، ۴۶) دادگاه می‌تواند علاوه بر حبس و جریمه مالی، مرتکب را به ۲۰ تا ۷۴ ضربه شلاق در ملأعام محکوم کند. اما جرم افساد فی الارض با توجه به ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، هرکس به‌طور گسترده، مرتکب اخلال در نظام اقتصادی کشور شود به‌گونه‌ای که عمل او موجب

۵-۴-۴. احتکار

احتکار از دیگر جرایم اقتصادی است که بر نظم عمومی تأثیرگذار است. احتکار از این جهت که باعث افزایش قیمت کالاها در بازار و عسر و حرج افراد می‌شود و بازار را با کمبود کالا مواجهه می‌کند باعث اختلال در نظم اقتصادی می‌شود. از دید فقها، ایجاد اضرار و ضرر و حرج (با احتکار) به گونه‌ای که منافی نظام عام جامعه باشد حرام است (انصاری، ۱۴۱۵، ۱، ۲۸۰). از این منظر، احتکار هر چیزی که منجر به ضرر به نظام اجتماعی بشود حرام است (حکیم، ۱۴۱۶، ۱۹۳). متصدی تنظیم امور بلاد این مقدار از ولایت را دارد که محتکر را مجبور به فروش کالایش نماید (تبریزی، ۱۴۲۷، ۳، ۲۸۲). فقها در بیان تعریف احتکار گاهی به مفهومی که از تعریف لغوی آن استفاده می‌شود بسنده کرده و گفته‌اند: «احتکار جمع کردن مواد غذایی و نگهداری آن به امید ترقی قیمت است» (روحانی، ۱۳۹۲، ۱۳۳). "حکره" عبارت است از جمع‌آوری نگهداری طعام، به انتظار گران شدن قیمت آن، قول قوی‌تر آن است که: احتکار، در صورت نیازمندی مردم به آن طعام، حرام است، زیرا خبری که از این کار نهی کرده است سندش صحیح است و این خبر از پیغمبر اکرم نقل شده است: «طعام را جز شخص خطاکار احتکار نمی‌کند» (حر عاملی، ۱۴۰۹، ۱۲، ۸، ۱۳، ۳۱۴) و «محتکر ملعون است» (حر عاملی، ۱۴۰۹، ۱۲، ۳، ۳۱۳). یکی از عناصر مهم که باید در بحث احتکار مورد توجه قرار گیرد، موضوع ضرری است که از عمل محتکر متوجه جامعه می‌شود اگرچه با عنایت به تعاریفی که از احتکار

تعریف دقیقی از افساد فی‌الارض ارائه نماید. قانونگذار در نحوه اعمال مجازات‌های دیگر اعلام داشته است چنانچه اقدامات صورت گرفته به حد فساد فی‌الارض نرسد و حفظ اخلاگری در نظام اقتصادی کشور باشد. در کل جرم اختلال در نظم اقتصادی، دو حالت دارد یا اختلالگری به صورت جزئی است در این صورت مجازات تعیین شده برای آن دو تا پنج سال حبس و ضبط کلیه اموال تخلفی به نفع دولت خواهد بود و چنانچه اختلالگری به طور کلی و عمده باشد مرتکبین به ۵ تا ۲۰ سال حبس ضبط کلیه اموال تخلفی محکوم می‌شوند علاوه بر آن دادگاه‌ها در اعمال کیفر شلاق تعزیری بین ۲۰ تا ۷۴ ضربه را در انظار عمومی مخیر هستند. جرم اختلال در نظم اقتصادی به اقتصاد جامعه و امنیت اجتماعی صدمه وارد می‌کند و موجب خدشه‌دار شدن روابط افراد و تأثیر منفی در قراردادها و معاملات و روابط اجتماعی می‌گردد لیکن گاهی یک بزه اقتصادی به دلیل اینکه به صورت عمده صورت می‌پذیرد اثر عمیق‌تری به جا گذاشته و موجب اختلال در نظم اقتصادی جامعه را فراهم می‌سازد بدیهی است به علت اثر مخرب‌تر این‌گونه اقدامات که اکثریت به صورت بانندی و شبکه‌ای صورت می‌گیرد اقتضا دارد واکنش کیفری شدیدتر برای آن در نظر گرفته شده و عوامل بازدارنده مناسب‌تری جهت جلوگیری از وقوع آن پیش‌بینی شود.

می‌نماید و اجرای مجازات حبس را معلق ولی حکم انفضال درباره او اجرا خواهد شد». به نظر می‌رسد منظور و هدف قانونگذار تشویق متهم به معرفی خود و همکاران اوست لیکن استفاده از این امر برای ملغی کردن بخش مهمی از مجازات، امری معقول و منطقی نیست، برای دستیابی به این مهم نهایتاً کاهش مجازات می‌بایست مدنظر قرار گیرد (روستایی، ۱۳۸۸، ۱۷).

با توجه به پیش‌بینی نهادهای تعویق مجازات (فصل پنجم - ماده ۴۰)، تعلیق اجرای مجازات (فصل ششم - ماده ۴۶)، آزادی مشروط (فصل هشتم - ماده ۵۸)، مجازات‌های جایگزین حبس (فصل نهم - ماده ۴۶)، عفو و توبه (مبحث اول فصل یازدهم - ماده ۹۶-۹۸). که موجب می‌شود تا مجرمین و خصوصاً مجرمین حرفه‌ای با توسل به راه‌های مختلف قانونی در لابه‌لای مواد قانونی موجود در نهادهای مذکور، احکام صادره را بلااثر نمایند و قضات نیز که ناگزیر به اجرای قانون می‌باشند با استفاده از قانون و با استناد به برخی از تعبیر تأثیرگذار در حکم مانند وضع اجتماعی و طبقه زندگی محکوم‌علیه، اظهار ندامت شدید و... تحت تأثیر عجز و لابه مجرم به‌نوعی دیگر بر عدم قطعیت احکام صادره صحنه می‌گذارند (باختر، ۱۴۰۰، ۵۶). اگرچه نهادهای موصوف در راستای تحقق اهداف سیاست کیفری جامعه وضع شده‌اند اما با عنایت به ویژگی‌های خاص مجرمین اقتصادی و همین‌طور آثار مخرب جرائم و ضرورت برخورد قاطع و جازم جامعه با این دسته از جرائم و مجرمین لازم است با اتخاذ یک سیاست تقنینی کیفری افتراقی،

در فقه اسلامی و قوانین موضوعه ارائه شده است. واژه «ضرر» و برهم زدن نظم عمومی نهفته است. در تعاریف ارائه شده از احتکار قیودی وجود دارد که لازمه آن اضرار به مردم خواهد بود مثل قید «نگهداری عمده کالا» و «در تنگنا قرار گرفتن مردم»، «قصد ترقی قیمت کالا و یا گران‌فروشی». اصولاً دفع ضرر عمومی مبناء بسیاری از احکام الزامی در فقه اسلامی و فلسفه جعل بسیاری از قوانین موضوعی می‌باشد هرچا «ضرر» و «اضرار» وجود پیدا کند، بدون تردید باید حرمت و ممنوعیت وجود داشته باشد.

۵-۵. نقد سیاست کیفری جرائم اقتصادی

تأثیرگذار بر نظم عمومی

در این قسمت، به نقد سیاست کیفری جرائم اقتصادی تأثیرگذار بر نظم عمومی پرداخته می‌شود.

۵-۵-۱. عدم حتمیت و قطعیت کیفرها

بکاریا متصف شدن مجازات‌ها به ویژگی حتمیت و قطعیت (پرادل، ۱۳۸۱، ۱۷ و ۱۹). یا به عبارتی اطمینان جامعه از جرایم کیفر را ضامن اربعایی آن می‌داند و به همین دلیل قانونگذاران را به حذف مجازات‌های شدید فرامی‌خواند (نوربها، ۱۳۸۱، ۱۱۸). در تبصره ۳ ماده ۵ قانون تشدید مجازات مرتکبین اختلاس، ارتشاء و کلاهبرداری آمده است: «هرگاه مرتکب اختلاس قبل از صدور کیفرخواست تمام وجه یا مال مورد اختلاس را مسترد نماید دادگاه او را از تمام یا قسمتی از جزای نقدی معاف

۵-۳-۵. عدم توجه به فردی ساختن کیفر

در قرن ۱۸ بکار یا به لحاظ عدم اعتماد به قضات و با هدف تأمین عدالت به گسترش سیستم مجازات‌های ثابت اقدام نمود (بکاریا، ۱۳۸۱، ۳۵ تا ۳۷). یعنی وی بر این باور بود که مجازات باید با جرم تناسب داشته باشد نه فرد (والک لیت، ۱۳۸۹، ۳۷) اما بعد از او بنام این روش را ناکارآمد دید و رویه فردی ساختن کیفرها را مدنظر قرارداد و آن را به عنوان ابزاری مهم در جهت تحقق اهداف بازدارندگی کیفرها معرفی کرد. به واقع او بر تناسب مجازات‌های اعمالی با درجه مسئولیت و نیز ویژگی‌های فردی و اجتماعی و سایر شرایط مرتکبان اصرار بسیار داشت و همین تناسب را رمز بازدارندگی کلیدی مجازات‌ها قلمداد کرد. بررسی مجازات‌های مطرح‌شده در قبال جرائم اقتصادی ما را به این واقعیت رهنمون می‌سازد که در پاره‌ای مواقع با وضع مجازات‌های ثابت و رسیدگی غیرقضایی که اصلاً نه رسیدگی‌کنندگان با این موضوع آشنایی دارند و نه قانونگذار تکلیفی برای آن پیش‌بینی کرده است. خصوصاً اینکه در بیشتر مواقع حتی احکام صادره قطعی و غیرقابل اعتراض می‌باشند و یا مجازات اعدام که فاقد ویژگی اصلاحی نیز هست مدنظر قرار داده شده است و می‌توان گفت قانون‌گذار هیچ توجهی به این امر مهم که ضامن بازدارندگی بهتر مجازات‌ها می‌باشد، نکرده است.

مجرمین اقتصادی از نهادهای مذکور مستثنی شوند یا محدودیت‌های ویژه‌ای برای برخورداری از این نهادها برای آنها وضع گردد.

۵-۲-۵. نگاه امنیتی در کیفرها

جرائم اخلاقی در نظام اقتصادی که برجسته‌ترین رفتارهای مجرمانه در حوزه اقتصاد هستند. براساس ماده ۲ قانون مجازات اخلاقی در نظم اقتصادی، برای مرتکبین مجازات زندان تعیین شده مگر اینکه جنبه امنیتی داشته باشد. براساس ماده مذکور: «هریک از اعمال مذکور در بندهای ماده ۱ چنانچه به قصد ضربه‌زدن به نظام جمهوری اسلامی ایران و یا به قصد مقابله با آن و یا با علم به مؤثر بودن اقدام در مقابله با نظام باشد. چنانچه در حد فساد فی الأرض باشد مرتکب به اعدام و در غیر این صورت به حبس از ۵ تا ۲۰ سال محکوم می‌گردد». جرائم اقتصادی مستوجب منشوری از مجازات‌هاست که از اعدام کیفرهای سبک مانند جزای نقدی آغاز و به اعدام ختم می‌گردد (مقیم، ۱۳۹۶، ۸۲). قانونگذار ضمن توجه به مراحل تخصصی تدوین قوانین و مقررات بین‌المللی حقوق، در زمان تدوین قوانین و مجازات‌های این‌گونه جرائم، نگاهی حقوقی و منطقی به عمل ارتكابی و تعیین مجازات آن‌ها داشته باشد نه نگاهی امنیتی، و خسارات وارد بر جامعه را در تعیین مجازات مدنظر قرار دهد چراکه امکان دارد اگر اولویت، در تعیین ضمانت اجراها نگاه امنیتی باشد چه بسا حقوق جامعه و حتی متهم تضییع گردد.

۵-۴-۵. عدم توجه به اصلاح و باز اجتماعی

کردن مجرمین

از جمله اهدافی که برای مجازات‌ها بیان می‌شود، اصلاح و تربیت مجرمان است. اصلاح مجرمان از جمله رویکردها و سیاست‌های مهم مورد بحث جرم‌شناسان در یکی دو قرن اخیر است (گولمن، ۱۳۷۹، ۲۹-۲۷؛ غلامی، ۱۳۸۰، ۲۹۰). با نگاهی به مجازات‌های تعیین‌شده در قبال جرائم اقتصادی می‌توان گفت اصلاح از طریق مجازات‌های تعیین‌شده بنا به دلایل زیر با چالش‌های اساسی روبروست از جمله اینکه اصلاح از طریق مجازات خصوصاً در مجازات‌هایی مانند آنچه که در قانون مبارزه با اخلاص‌گران اقتصادی مطرح است که با اعدام فرد به زندگی او خاتمه می‌دهد عملاً منتفی است. توجه به عدم پیش‌بینی تدابیری خاص در خصوص مجرمین اقتصادی زندانی و عدم وجود تدابیر خاص زندانبانی، بیشتر زندان‌ها تبدیل به مراکز مهارت‌افزایی مجرمین و دانشگاهی برای افزایش میزان خطرناکی آنان در اثر تبادل اطلاعات با هم و خصوصاً با مجرمین حرفه‌ای سایر صنوف می‌گردد و زمینه همکاری بعدی آنان را فراهم می‌نماید. و از طرفی مجازات‌های غیر از زندان نیز مانند مجازات جرایمی چون پولشویی، قاچاق، تصرف غیرقانونی و... از بازدارندگی کافی برخوردار نبوده و فاقد ویژگی اصلاح و تربیتی است. و در خصوص مجازات‌های مکمل صرف‌نظر از نحوه و چگونگی صحت اجرای آن به علت داشتن جنبه اختیاری، در خصوص همه مجرمین اعمال نمی‌شوند خصوصاً اینکه به استناد ماده ۲۳ ق.م.ا

۱۳۹۲، این مجازات‌ها صرفاً به جرایمی که مجازات آن‌ها از نظر شدت در درجه ششم و بالاتر قرار داشته باشند اعمال می‌شود که در این صورت جرائم قاچاق کالا و ارز، تصرف غیرقانونی و پول‌شویی مشمول مجازات‌های مذکور قرار نمی‌گیرند (فرزام، ۱۳۹۹، ۴۸). بنابراین مطابق آنچه در خصوص تعریف اصلاح، بازپروری، درمان و پرورش در بالا بیان شد، نمی‌توان مجازات‌های مقرر در خصوص مفاسد اقتصادی را دارای ویژگی‌های اشاره شده دانست و از آن انتظار اصلاح و باز اجتماعی شدن مجرمین را داشت و یا اینکه معتقد به جنبه پیشگیری عام و خاص مجازات‌های مذکور بود.

۶. نتیجه

نتایج نشان داد، نظم عمومی از منظر فقهی دارای مفهوم گسترده‌ای است به عبارتی منظور از عبارت «حفظ نظام» و «اختلال نظام» در فقه، همان «نظم عمومی» مطرح در علم حقوق است. آنچه امروز به جرم اقتصادی مشهور شده است متضمن لطمه شدید به نظام اقتصادی هر کشور و نیز نظام حفظ نظم و آرامش جامعه و کنترل پدیده‌های مجرمانه رسالتی است که به‌طور عام بر عهده آحاد مردم جامعه و به طریق اولی مسئولین هر کشور و به‌طور خاص بر عهده سیاست‌جنایی هر کشوری است که توسل به نظام کیفری یا ابزارهای غیرکیفری را دربرمی‌گیرد. آنچه مشهود است، برداشت‌های متفاوت از ماهیت مفاسد اقتصادی چگونگی روند مبارزه با آن را کند و گاه به‌طور کلی تغییر می‌دهد.

عرضه و تقاضا و منطبق با ساختار کلی نظام اقتصادی پیش‌بینی‌شده در فصل چهارم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است.

۷. سهم نویسندگان

کلیه نویسندگان به‌صورت برابر در تهیه و تدوین پژوهش حاضر مشارکت داشته‌اند.

۸. تضاد منافع

در این پژوهش، تضاد منافی وجود ندارد.

بدون تردید ابهام مفهومی و سایر ضعف‌های قانونی با اصول مترقی، چون اصل قانونی بودن جرم و مجازات و قاعده اصولی قبح عقاب بلا بیان نیز منافات صریح دارد و قانون‌گذار باید در جهت وضوح مفهومی این عنوان و جلوگیری از برداشت‌های متفاوت و در نتیجه اقدامات ناهمگون اقدام کند. در زمینه مصادیق جرم اقتصادی نیز دسته‌بندی مشخص و مستند و بر مبنای قانونی وجود ندارد. فعالان عرصه‌های اقتصادی و متولیان مبارزه با جرائم اقتصادی هر کدام بر اساس ذهنیت‌ها و یافته‌های تجربی یا تألیفی دسته‌بندی‌های مختلفی را ارائه نموده‌اند که اغلب مورد اختلاف قرار می‌گیرد. تفاوت برداشت‌ها و نبود معیار قانونی مناسب باعث بروز مشکلات و بعضاً مفسده‌های مختلفی می‌گردد که نه تنها باعث عدم دستیابی به نتایج مورد انتظار در مبارزه می‌گردد بلکه موجبات انحراف مبارزه و تحریف در اصل موضوع را نیز باعث خواهد شد. قوانین و کیفرهای موجود و حاکم بر مفاسد در برخی موارد، حتمیت و قطعیت مجازات‌ها کارآیی لازم برای مقابله با معضل مفاسد اقتصادی و به تبع آن جرائم اقتصادی را ندارد. قدم اساسی در راه مبارزه با جرائم اقتصادی به عنوان یک معضل اقتصادی و اجتماعی، بازنگری مناسب در جهت رفع خلاء قانونی و یکپارچه کردن قوانین متناسب با توسعه اقتصادی کشور و ارائه تعریف جرم اقتصادی و تشدید ضمانت اجراها و جایگاه این بخش از حقوق کیفری اختصاصی است با هدف حمایت از ارزش‌های اقتصادی جامعه و ایجاد نظم منطقی برای فعالیت‌های اقتصادی مجاز، بر پایه

منابع

- ابن فارس، احمد بن فارس، معجم مقاییس اللغة، بیروت، دارالفکر، ۱۳۵۸.
- ابن فارس، احمد بن فارس، معجم مقاییس اللغة، بیروت، دارالفکر، ۱۳۵۸.
- احمدی واستانی، عبد الغنی، نظم عمومی در حقوق خصوصی، چاپ اول، تهران، نشر روزنامه رسمی، ۱۳۴۱.
- اسدی، علی، زارع مهرجردی، علی، صدیقیان، امیرمحمد، «تسری افساد فی الارض به جرایم اقتصادی: بسترها و چالش‌ها»، مجله مطالعات سیاسی، شماره پنجاه و یکم، ۱۴۰۰.
- اسماعیلی، محسن، «امنیت و شریعت (نظم عمومی در قواعد و احکام فقهی)»، نشریه کتاب نقد، شماره پانزدهم و چهاردهم، ۱۳۷۹.
- الخوری اشرتوتی، سعید، اقرب الموارد، جلد اول، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی، ۱۴۰۴.
- الماسی، نجاد علی، علیزاده، عبدالرضا، کریم‌پور، صالح، «نظم عمومی در رویکرد حقوقی، فقهی و جامعه‌شناسی»، مجله پژوهش‌های فقهی، شماره اول، ۱۳۹۵.
- الماسی، نجاد علی، حقوق بین‌الملل خصوصی، چاپ اول، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۲.
- امیدی‌فرد، عبدالله، باقی‌زاده، محمدجواد، «دلیل عقلی منع اختلال نظام»، نشریه پژوهش‌های اخلاقی، شماره چهارم، ۱۳۹۱.
- انصاری، محمدعلی، الموسوعة الفقهية المیسرة، جلد اول، قم، مجمع الفکر الاسلامی الاولی، ۱۴۱۵.
- باختر، سید علی‌اصغر، مقررات نحوه رسیدگی به جرایم اخلاص گران در نظام اقتصادی کشور، تهران، نوای عدالت، ۱۴۰۰.
- بکاریا، سزار، رساله جرائم و مجازات‌ها، چاپ اول، تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۱.
- پرادل، ژان، تاریخ اندیشه‌های کیفری، چاپ اول، تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی و نشر یلدا، ۱۳۸۱.
- تبریزی، میرزا جواد، تنقیح مبانی العروة (کتاب الاجتهاد و التقليد والطهارة)، جلد اول، قم، دار الصدیقة الشهيدة، ۱۳۸۷.
- تبریزی، میرزا جواد، إرشاد الطالب إلى التعليق علی المكاسب، جلد سوم، قم، مؤسسه اسماعیلیان، ۱۴۲۷.
- تبریزی، میرزا جواد، أسس الحدود و التعزیرات، قم، مهر، ۱۴۱۷.
- ثعلبی، عبدالملک بن محمد، فقه اللغة و سرّ العربیة، جلد دوم، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۴.
- جزیری، عبد الرحمن، الفقه علی المذاهب الأربعة و مذهب أهل البيت (ع)، جلد پنجم، بیروت - لبنان، دار الثقلین، ۱۴۱۹.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، روش جدید در مقدمه عمومی علوم حقوق، چاپ چهارم، تهران، کتابخانه گنج دانش، ۱۳۸۶.
- جعفری مسلم، مجتبی، آقابابایی، عظیم، «جرم اخلاص کلان در نظام اقتصادی در قانون اخلاص گران در نظام اقتصادی کشور و ماده ۲۸۶ قانون مجازات

- اسلامی»، نشریه پژوهش‌های حقوقی، دوره بیست، شماره چهل و هفتم، ۱۴۰۰.
- جمشیدی، علیرضا، «پیشگیری از جرائم اقتصادی از اقدام‌های قضایی تا اقدام‌های اجرایی»، سخنرانی‌های ارائه شده در نخستین همایش ملی پیشگیری از وقوع جرم، انتشارات معاونت آموزش ناجا، ۱۳۸۸.
- حر عاملی، محمد حسن، الوسائل الشیعه، جلد دوازدهم و هشتم و سوم، قم، مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام، ۱۴۰۹.
- حکیم، محمد سعید، حواریات فقهیه، قم، موسسه المنار، ۱۴۱۶.
- خدایان چگینی، ذبیح اله، «بررسی تطبیقی نهادهای نظام عدالت کیفری فرانسه و ایران در مقابله با جرائم اقتصادی»، مجله مطالعات حقوقی، شماره دوم، ۱۳۹۱.
- خویی، ابوالقاسم، صراط النجاه (تعلیق المیرزا التبریزی)، جلد سوم، ایران، دفتر نشر برگزیده، ۱۴۱۶.
- دادگر، حسن، معصومی‌نیا، غلام علی، فساد مالی، چاپ دوم، تهران، کانون اندیشه جوان، ۱۳۸۹.
- رضانی، احمد، اختلاس بررسی فقهی و حقوقی، تهران، چاپ اول، مرکز نشر پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۰.
- روحانی، سید محمدصادق، فقه الصادق، چاپ اول، قم، نشر آیین دانش، ۱۳۹۲.
- روستایی، مهرانگیز، «ارزیابی مداخله کیفری در حوزه جرائم اقتصادی»، مجله کارآگاه، شماره هفتم، ۱۳۸۸.
- زراعت، عباس، حقوق کیفری اقتصادی، چاپ اول، تهران، انتشارات جنگل، ۱۳۹۱.
- زمانی، محمود، «جرم اقتصادی»، مجله پژوهش حقوق کیفری، شماره چهارم، ۱۳۹۲.
- ساکی، محمدرضا، حقوق کیفری اقتصادی، چاپ سوم، تهران، انتشارات جنگل، ۱۳۹۳.
- سبزواری، عبد‌الاعلی، مهذب الأحکام فی بیان الحلال و الحرام، جلد اول، قم، مکتب آیت الله السبزواری، ۱۴۱۳.
- سیستانی، علی، استفتاءات، نجف، نشر نور المبین، ۱۴۰۱.
- شامبیاتی، هوشنگ، جرایم علیه اموال و مالکیت، چاپ دوم، تهران، انتشارات ویستار، ۱۳۷۵.
- شهری، غلامرضا، نظریه‌های اداری حقوقی قوه قضائیه در زمینه مسائل کیفری، جلد اول، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۷.
- شهید ثانی، زین‌الدین الجبعی‌العاملی، مسالک الافهام، جلد دهم، قم، موسسه المعارف الاسلامی، ۱۴۱۹.
- طباطبایی، علی، ریاض المسائل، جلد دهم، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۹.
- طباطبایی یزدی، محمد کاظم، العروه الوثقی، جلد چهارم، قم، مکتبه داوری، ۱۴۰۹.

- طوسی، ابی جعفر محمد بن الحسن؛ النهایة، تهران، انتشارات موسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۰.
- عشماوی، سعدالدین محمد، «مروری بر جرائم اقتصادی کشورهای عربی»، چاپ اول، تهران، نشر کارآگاه، ۱۳۸۹.
- علی دوست، ابوالقاسم، فقه و مصلحت، چاپ سوم، قم، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۸.
- غلامی، حسین، تکرار جرم در پرتو مطالعات حقوقی و جرم‌شناختی، چاپ اول، تهران، انتشارات میزان، ۱۳۸۰.
- فرجی‌ها، محمد، مقدسی، محمدباقر، پاسخ‌های کیفی عوام‌گرایانه به مفاسد اقتصادی دایره المعارف علوم جنایی (مجموعه مقاله‌های تازه‌های علوم جنایی)، چاپ دوم، تهران، انتشارات میزان، ۱۳۹۲.
- فرزام، علی، چالش‌های پیشگیری وضعی از جرایم اقتصادی، تهران، شرکت پیشتازان فناوری و ارتباطات شریف‌یار، ۱۳۹۹.
- فیروزآبادی، محمد بن یعقوب، القاموس المحيط، بیروت- لبنان، موسسه الرساله، ۱۴۱۹.
- کاتوزیان، ناصر، حقوق مدنی (قواعد عمومی قراردادها)، جلد اول، چاپ سوم، تهران، ۱۳۹۲.
- کاشف الغطاء، علی، النور الساطع فی الفقه النافع، جلد اول، النجف الاشرف، مطبعه الاداب، ۱۳۸۴.
- کبیری، سهیل، شفیع‌خورشیدی، علی‌اصغر، اخلال در نظام اقتصادی کشور، تهران، مجد، ۱۳۹۷.
- گولمن، کاوینگتن، روان‌شناسی ناهنجار و زندگی نوین، چاپ اول، تهران، انتشارات دانشگاه الزهراء، ۱۳۷۹.
- مدنیان، غلامرضا، رحمت‌الهی، حسین، خالقی دامغانی، احمد، «امکان یا امتناع تبیین مفهوم نظم عمومی در حقوق»، نشریه پژوهش‌های حقوق تطبیقی، شماره پانزدهم، ۱۳۹۰.
- مقدس نجفی، محمد هادی، تقریرات الحدود و التعزیرات (تقریر بحث السید الگلپایگانی)، جلد اول، قم، مخطوط، ۱۴۱۰.
- مقیمی، مهدی، «مطالعه حقوقی- جرم‌شناختی جرایم اقتصادی (با تأکید بر راهکارهای پیشگیری ملی و فراملی)»، مجله پژوهش‌های دانش انتظامی، شماره پنجاه و هفتم، ۱۳۹۶.
- مقیمی، مهدی، «مطالعه حقوقی- جرم‌شناختی جرایم اقتصادی (با تأکید بر راهکارهای پیشگیری ملی و فراملی)»، فصلنامه پژوهش‌های دانش انتظامی، دوره نوزده، ۱۳۹۶.
- منتظری، حسین علی، البدر الزاهر فی صلاة الجمعة و المسافر (تقریر بحث البروجردی للشیخ المنتظری)، قم، مکتب آیت الله المنتظری، ۱۴۱۶.
- منتظری، حسین علی، دراسات فی ولایة الفقیه و فقه الدولة الإسلامية، جلد اول، قم، مرکز العالمی للدراسات الاسلامیه، الطبعة الاولى، ۱۴۰۸.

- موسوی اردبیلی، عبد الکریم، فقه القضاء، جلد اول، قم، مؤسسه النشر لجامعة المفید، ۱۴۲۱.
- میلانی، محمد هادی، محاضرات فی فقه الإمامیة (الصلاة)، بدون شناسنامه، تعلیق فاض الحسینی المیمنی، ۱۴۰۰.
- نجفی، محمد حسن، صاحب الجواهر، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، جلد بیست و سوم، بیروت- لبنان، دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۴.
- نقره کوب مقدم، صدیقه، توکلی، احمد رضا، حیدری، محمدعلی، «واکاوی پیشگیری از جرائم اقتصادی در سیاست جنایی اسلام»، مجله مطالعات فقه اقتصادی، دوره دو، شماره چهارم، ۱۳۹۹.
- نوربها، رضا، زمینه حقوق جزای عمومی، چاپ پنجم، تهران، نشر دادآفرین، ۱۳۸۱.
- والک لیت، ساندر، شناخت جرم شناسی، چاپ اول، تهران انتشارات میزان، ۱۳۸۹.
- ورعی، سید جواد، «قاعده «اختلال نظام» مفاد و قلمرو آن در فقه»، نشریه حکومت اسلامی، شماره اول، ۱۳۹۳.